



خواستگار کلاهبردار
فکرش را نمی کرد
همسر اولش و
بچه هایش مهمان
جشن عقد او باشند و
مجبور شود زخمی از
مراسم فرار کند



جنگال در عروسی

مثل همیشه روز پنجشنبه بود و من

سرهنگ کارآگاه
فرهاد شمس آبادی

کارشناس
انتظامی

شیفت بودم. تابستان بود و هوا گرم و کلافه کننده و غیرقابل تحمل شده بود، هنوز ساعتی از شب نگذشته که پشت بیسیم خبر از درگیری در یک تالار عروسی

دادند. با همکارم برای بررسی ماجرا سوار خودرو شدیم و به سمت محل حادثه در شمال تهران حرکت کردیم. برایم جالب بود که چه اتفاقی افتاده که در تالار عروسی دعوای خانوادگی شده است. در افکارم برای حل معمای ماجرا، غرق بودم که خودم را روبه روی تالار

دیدم.

وقتی وارد شدم بیشتر شبیه میدان جنگ بود تا تالار عروسی؛ هر مهمانی سعی داشت روایتی از ماجرا داشته باشد. این رفتار باعث می شد نتوانم درست متوجه ماجرا شوم. با کمک کارکنان تالار، همه را ساکت کردم. وقتی اوضاع کمی آرام شد متوجه شدم عروس بیهوش گوشه تالار افتاده و یک مرد میانسال هم با سر و صورت خونی در گوشه دیگر تالار ناله می کند.

ابتدا سراغ داماد را گرفتم که گفتند مجروح شده و از مراسم عروسی فرار کرده است. پیش خودم گفتم بنده خدا راضی به عروسی نبوده و فرار کرده است. پدر عروس را پیدا و تحقیقات را از او شروع کردم. مرد میانسال که شوکه شده بود، گفت: «من بازاری هستم و وضع مالی خوبی دارم. چند ماه قبل مسعود خودش را به من نزدیک کرد و بعد هم دخترم را از من خواستگاری کرد. روز خواستگاری او همراه یک مرد به خانه ام آمد و او را دایی خودش معرفی کرد.

مسعود با حرف هایش اعتماد من و دخترم را جلب کرد و مراسم بله برون برگزار شد. او به بهانه کار پرسود در این مدت چند میلیون تومان از من گرفت. مدعی بود خانواده اش در زلزله فوت کرده اند و آخر هفته ها باید برای زیارت قبور به شهرستان برود و اول هفته به تهران بیاید.

امروز قرار بود مراسم عروسی برگزار شود که هنگام خواندن خطبه عقد، پسر و دختر سه و پنج ساله ای بغل مسعود پریدند و مدعی شدند فرزندان او هستند. همان لحظه زنی که در میان

جمعیت بود خودش را همسر مسعود معرفی کرد. همه شوکه بودیم و دخترم همان لحظه از هوش رفت و همسر اول مسعود با کله قندی که روی سر عروس و داماد می ساییدند به سر شوهرش زد و او با سر خونین فرار کرد.»

در ادامه سراغ همسر مسعود رفتم و از او خواستم ماجرا را بگوید. او که گریه می کرد، گفت: چند سال قبل در شهرمان با مسعود آشنا شدم و ازدواج کردیم. حاصل این ازدواج یک دختر پنج ساله و پسری سه ساله است. مسعود وقتی به تهران آمد، فقط آخر هفته ها به خانه می آمد و می گفت به خاطر کارش نمی تواند به خانه بیاید. چند روز قبل یکی از اهالی شهر گفت در تهران مسعود را هنگام خرید لباس عروس دیده و بعد فهمیده او قرار است ازدواج کند. باورم نشد و برای همین با فرزندانم به اینجا آمدم و در تالار دیدم مسعود کنار سفره عقد است. موقع خواندن خطبه، بچه هایم را سراغ پدرشان فرستادم و مراسم بهم خورد.

سراغ دایی داماد که مجروح و گوشه ای از سالن آه می کشید، رفتم. مرد میانسال گفت چه کشکی چه دوغی، دایی کجا بود. من راننده آژانس هستم. چند ماه قبل یکی دوبار داماد را جابه جا کردم. او گفت عاشق یک دختر شده و چون هیچ فامیلی ندارد، من برایش بزرگتری کنم و به عنوان دایی اش به خواستگاری برویم و در برابر این کار پول بگیرم. من مسعود را نمی شناختم و نمی دانستم زن و بچه دارد. امشب هم وقتی دعوا شد، من را به عنوان دایی داماد کتک زدند. هر چی گفتم دایی نیستم و راننده آژانس هستم، کسی باورش نشد و کتک مفصلی خوردم.

با انجام تحقیقات، تالار را ترک کردم و به خانه رفتم. صبح فردا تحقیقات در مورد داماد فراری را شروع کردم. برایم مشخص شد که متهم فقط برای کلاهبرداری به خواستگاری دختر مرد ثروتمند رفته و چند میلیون تومان از آنها کلاهبرداری کرده است. احتمال می دادم او یا از کشور فرار کند یا به شهر دیگری برود و دوباره کلاهبرداری کند. به همین خاطر اطلاعات مسعود را به کل کشور دادم و چند روز بعد داماد هنگام فرار از مرزهای غربی با چند میلیون تومان پول کلاهبرداری دستگیر شد و به زندان افتاد.

سند برگ سبز خودرو پراید صبا، مدل ۸۷، رنگ نقره ای، شماره موتور 2426967 و شماره شاسی S1412287765615 به نام گبری رحمتی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی مشخصات وسیله نقلیه موتورسیکلت پالس ۲۲۰، مدل ۱۳۹۳، به رنگ مشکی، شماره موتور DKGBUH80444 و شماره شاسی 220L9330220 به شماره پلاک ۱۱۵۳۶-۱-ایران ۱۲۶ به نام علیرضا مدینه پناپ که مفقود گردیده است از نظر قانونی هیچ اعتباری ندارد.

آگهی مزایده عمومی
شماره ۹۹/م-ز-ع-ش ۱
شرکت فروشگاه های زنجیره ای نجم خاورمیانه در نظر دارد، **غرفه سرخ، بوقلمون و ماهی فروشگاه نجم خاورمیانه، شعبه رشت** را از طریق برگزاری مزایده برای مدت معین و محدود (یکساله) واگذار نماید. لذا از اشخاص حقیقی و حقوقی دعوت به عمل می آید از تاریخ درج آگهی لغایت ۹۹/۱۰/۱۷ از ساعت ۹-۱۶ به منظور دریافت اسناد شرکت در مزایده مطروحه ضمن واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال (پنجصد هزار تومان) به حساب سپرده ۳۸۶۸۰۰۲، بانک پارسیان، شعبه لاکانی، در وجه شرکت فروشگاه های زنجیره ای نجم خاورمیانه، اصل رسید آن را تحویل دبیرخانه فروشگاه نموده و اسناد را دریافت نمایند. مهلت ارائه اسناد به فروشگاه از تاریخ ۹۹/۱۰/۱۸ لغایت ۹۹/۱۰/۲۴ می باشد. نشانی: رشت، سبزه میدان، فروشگاه نجم خاورمیانه جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۲۲۶۴۵۵۹ داخلی ۲۰۶ تماس حاصل فرمایند.

شتابزده بله نگوید!

خواستگاری یکی از پوشش های کلاهبرداران برای رسیدن به اهداف شان است. آنها با شناسایی طعمه خود از میان دختران دم بخت و البته پولدار، سراغ آنها رفته و خود را فردی با تحصیلات عالی، وضع مالی خوب و دارای سمت های مهم معرفی می کنند. این کلاهبرداران اغلب برای خواستگاری یا مراسم ازدواج بهانه تراشی می کنند تا تاخیر در آن ایجاد شود. آنها برای فاش نشدن رازشان، مدعی می شوند خانواده شان در خارج زندگی می کنند یا آنها را در حادثه ای از دست داده اند. آن دسته از خواستگاران که متاهل هستند، اغلب خود را تاجر معرفی کرده و روزهایی که باید در کنار همسرشان باشند، سفر به کشورهای دیگر را بهانه می کنند. آنها پس از جلب اعتماد با این بهانه که می توانند پول شان را در تجارت، خرید ارز، طلا و بورس سرمایه گذاری کنند، از طعمه یا خانواده اش پول گرفته و بعد فرار می کنند.

کمی دقت و نگاه همراه با تردید، می تواند شما را از گرفتار شدن در دام این کلاهبرداران در امان دارد. همیشه باید در آشنایی با افراد نسبت به وعده ها و پیشنهادهای مالی و سوسه انگیز، با امتیازات غیرعادی که به شما می دهند با دید شک و تردید بنگرید. به خاطر داشته باشید زنده کردن حس حرص و طمع در مخاطب، کلید و شگرد اصلی کلاهبرداران است.

فرد کلاهبردار برای فریب قربانیان از هر وسیله ای استفاده می کند تا ادعاهای خود را به چشم شما حقیقی جلوه دهد، به همین دلیل داشتن خودروی لوکس و گرانقیمت یا ولخرجی در ملاقات های اولیه تاییدی برای ادعاهای وی نیست و جزئی از نقشه و شگرد کاری به شمار می آید. بر همین اساس شما برای اطمینان از صحت ادعاهایش باید تحقیقات لازم را درخصوص هویت، شغل و شرایط اقتصادی و اجتماعی وی انجام دهید.

همچنین پس از روبه رو شدن با افرادی که به شما ابراز علاقه می کنند و به سرعت پیشنهاد ازدواج می دهند، شتابزده عمل نکنید و اجازه ندهید هیجانات مانع از تحقیق و قضاوت درست شما درباره افراد شود.

برگ سبز سواری هاچ بک اموی ام HNEW۳۱۵، رنگ سفید روغنی، مدل ۱۳۹۴، شماره موتور MVM477FJAF038528 و شماره شاسی NATFBAMD2F1029419 و شماره پلاک ۲۴۵۲۲۲-۱-ایران ۴۶ به نام سمانه عبدی عالی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و برگ کمپانی و کارت ماشین و بیمه و معاينه فنی خودرو پژو ۴۰۵، مدل ۹۱، رنگ خاکستری متالیک، به شماره شاسی NAAM01CA7CR583029 و شماره موتور 124K0064394 و شماره پلاک ایران ۳۸ - ۷۸۴ J ۹۷ به نام حامد کریمی کیا مفقود و فاقد اعتبار می باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ التحصیلی اینجانب مریم محمدی فرزند عزیزاله به شماره شناسنامه ۱۳ صادره از گرج در مقطع کارشناسی رشته مدیریت بیمه صادره از واحد دانشگاه دهقان با شماره دانشنامه ۸۲۱۸۲۰۳۲۷۲۶۲ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از پابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان به نشانی استان اصفهان، شهرستان دهقان (بعد از شهرضا)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان ارسال نمایند.